



اکتبر می پرسد - موقعیت جنبش زنان در

کردستان

ملکه عزتی

صفحه ۴

بازگشایی مدارس و کرونا

همایون گدازگر

صفحه ۵

ضرورت حاکمیت شورائی مردم در کردستان

اسماعیل ویسی

صفحه ۶

تحركات قومپرستان در حمایت از جنگ

آذربایجان با ارمنستان

رضا کمانگر

صفحه ۹

کرونا و بی مسئولیتی دولت جمهوری اسلامی

سیوان کریمی

صفحه ۱۰

اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی

حزب حکمتیست

صفحه ۱۲

یک پیروزی برای کارگران

هفت تپه خلع ید اسد بیگی

صفحه ۱۴

قرارهای مصوب پلنوم ۴۱

کمیته مرکزی حزب حکمتیست

در صفحات ۱۱ و ۱۳

پیام رضا پهلوی و ذوق

زدگی عبدالله مهتدی

سعید یگانه

چنانکه مشاهده میکنید پیام اخیررضا پهلوی خطاب به اپوزسیون رنگارنگ جناح راست بورژوازی و طیفهای مختلف ناسیونالیست، رسانه های نان به نرخ روز خورمثال بی بی سی، صدای امریکا و انترناشنال به سیاق معمول تلاش میکنند که اهداف ضد کارگری رضا پهلوی و راه حل او برای "گذار از جمهوری اسلامی" رابه عنوان تنها راه حل ممکن به افکار عمومی تزیق کنند و طیف راست اپوزسیون راحول آن بسیج کنند. اما همه آگاهند که مدتهاست این تلاشها از جانب خود رضا پهلوی و در اشکال مختلف چون فرشگرد، ققنوس، واین اواخر شورای مدیریت گذار صورت گرفته و به جایی نرسیده و با اقبال انچنانی روبرو نشده است. پیام اخیر رضا پهلوی خطاب به همه طیفهای مختلف اپوزسیون راست پروغرب و اصلاح طلبان خارج کشور، بیشترناشی از این ناکامی و تلاشی جدید برای برنرفتن از این آشفتگی است.

در این آشفته بازار سیاست، عبدالله مهتدی نیزبه دنبال سهم خودش است و به این دلیل از پیام رضا پهلوی ذوق زده شده است. اودر مصاحبه با تلوزیون انترناشنال این ذوق زدگی و خوشحال را پنهان نمی کند نشان می دهد به این امیدکه این هم شاید روزنه ای برای پیشبرد اهداف فدرالیستی او باز کرده باشد تا از آن بی نسیب نباشد. مهتدی از روزی که سوسیال دمکرات و فدرالیست شده است و سازمان ناسیونالیستی "کومله" صفحه ۲

پیام رضا پهلوی و ذوق زدگی عبدالله مهدی



اصلاح طلب رژیم چشم دوخته بود و به آن امید بسته بود و تلاش می کرد در اصلاح رژیم اسلامی شریک شود. به صف رنگا رنگ این اپوزسیون، فرشگردها "شورای مدیریت گذار" که عبدالله مهدی نیز افتخار حضور در آن را دارد نگاه کنید. از ناسیونالیستهای دو آتشه تا ناسیونالیستهای قوم پرست طرفدار فدرالیست تا اصلاح طلبان رانده شده و فراری که هر کدام در تحکیم پایه های رژیم جنایتکار اسلامی سهم داشته اند خواهید دید که کوچکترین ربطی به منفعت مردم کارگرو زحمتکش ندارند و شعارهای آنان دروغی بیش نیست.

کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه بعد از دو تجربه حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی و بیشتر از چهار دهه رنج و تبعیض و نابرابری و اختناق مذهبی نباید این فراخوانها و پیامها و را جدی بگیرند. اهداف و آرزوی بخش اکثریت مردم رنج دیده ایران با اهداف ارتجاعی رضا پهلوی و همه طیفهای راست جامعه فاصله دارد. مبارزات طبقاتی کارگران و جنبشهای مترقی و عدالت خواه ایران نه تنها از خواست و اهداف نازل رضا پهلوی و طیف ملون راست فراتر رفته، بلکه تجربه بیشتر از چهار دهه ظلم و ستم و سرکوب طبقاتی به آنان آموخته است که دیگر اجازه ندهند حاصل دسترنج و تلاش و مبارزه آنان به جیب گشاد احزاب و جریانات راست بورژوازی برود. تنها یک تحول سوسیالیستی و آزادیبخش تضمین کننده آزادی و رفاه و برابری در آینده ایران هست. مردم در صورتی می توانند به آزادی و رفاه واقعی برسند که

صفحه ۳

عبدالله مهدی از پیام رضا پهلوی همین است و بس.

بر گردیم به رضا پهلوی. هر آدم عاقلی می داند که پیام رضا پهلوی اساسا خطاب به کل طیف راست و صف به هم ریخته آنان است که باید بجنبند و هر اختلافی که دارند کنار بگذارند و متحد شوند " که این کشتی طوفان زده "را به ساحل برسانند در غیر این صورت همه آنان در این طوفان غرق خواهند شد. و همه ما میدانیم که این طیف رنگارنگ از خود رضا پهلوی تا طیف سلطنت طلب و جمهوریخواه و ناسیونالیستهای دو آتشه، هر اختلافی که با هم داشته باشند در یک هدف مشترکند، آنهم رسیدن به قدرت با کمک غرب بخصوص امریکا، بدون تغییر انقلابی و بنیادی و حفظ مناسبات سرمایه دارانه موجود. همه اینها با حکومت " ولایت فقیه" مشکل دارند، نه با مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری حاکم که دمار از روزگار کارگرو مردم زحمتکش در آورده است. دقیقاً همان مناسبات و دستگاههای سرکوبی که پدرتاجدار ولیعهد، محمد رضا پهلوی بر آن حاکم بود و بخش اکثریت مردم کارکن جامعه را به قعر فقر کشانده بود. بی دلیل نبود که شاهزاده، به خاطر مرگ قاسم سلیمانی عزا گرفت و اردشیرزاهدی به دلیل مرگ "سردار ملی" داغدار شده بود. در عین حال هرگز نباید فراموش کرد که شاخه های مختلف بورژوازی در اپوزسیون در طول تاریخ با حمایت غرب به قدرت رسیده اند امروز نیز رضا پهلوی. انهای دیگر نیز چشم به حمایت امریکا و بران سرمایه گذاری می کنند. حکومت اسلامی نیز بدون حمایت غرب و "شیطان بزرگ" بعید به نظر میرسد بتواند انقلاب ناتمام مردم برای آزادی و رفاه را سلاخی و به قدرت برسند.

از ظلم و ستم و نابرابری دوره حکومت پهلوی بگذریم که رضا پهلوی و طیف طرفداران سلطنت جرئت بر زبان آوردن آن را ندارند و تازه با پرویی به این "دوره طلایی" خیلی هم افتخار می کنند، همین رضا پهلوی تا دیروز به بخش

زحمتکشان "راسرهم بندی کرده است، به هر دری می زند و تلاش زیادی انجام می دهد که او رابه عنوان یک رهبر" کرد" در میان طیفهای اپوزسیون بورژوازی و ناسیونالیستهای ایرانی و دولتهای غربی به رسمیت بشناسند و مقبولیت پیدا کند. به نظر می آید با وجود این تلاشها درهای زیادی به روی عبدالله مهدی باز نشده است و این زیاد خواهی را رقبای آن، احزاب سنتی کرد از او قبول نخواهند کرد. عبدالله مهدی می خواهد اطمینان حاصل کند که سهم "کردها" در حکومت آینده رضا پهلوی و هر حکومت بورژوازی، تامین است و مقام و منصب ایشان از هم اکنون مشخص باشد. شکی نباید داشت که عبدالله مهدی مشکلی با هیچ یک از این طیفها ندارد و برای پیشبرد اهداف خود و تشکیل "سپاه ملی کرد" و تامین پول و اسلحه آن دست دوستی و کمک را به سوی هر دولت مرتجعی دراز خواهد کرد. علاوه بر این صف "ناسیونالیستهای کرد" در مرکز همکاری حال و وضع چندان بهتری ندارند و سابقه چندان درخشانی در مبارزه با جمهوری اسلامی نیز پشت سر ندارند. دو سال پیش آنهم در گرمای اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی فاش شد که سازمان عبدالله مهدی و دیگر احزاب و جریانات در "مرکز همکاری کرد" مشغول مذاکره و بند و بست با جمهوری اسلامی هستند. رابطه مهدی و دیگر احزاب ناسیونالیست و چراغ سبز به جمهوری اسلامی از مسیر اصلاح طلبان کرد نیز سابقه دارد و تا کنون این تلاشها ناموفق و ناکام مانده است. "دیروز با رژیم اسلامی امروز با رضا پهلوی".

عبدالله مهدی و هم پالگه های او به دنبال اهداف ارتجاعی فدرالیستی و حل ناسیونالیستی "مسئله کرد" و سهیم شدن در قدرت محلی، حاضرند در هر حرکت ارتجاعی و ضد مردمی شریک شوند و این تنها هدف و توقع آنان از آینده بعد از جمهوری اسلامی است. ذوق زدگی

پیام رضا پهلوی و ذوق زدگی عبدالله مهدی

خود سرنوشت خود را به دست بگیرند و به این فقر و نابرابری طبقاتی پایان دهند. حکومت سوسیالیستی و حاکمیت شورایی تضمین کننده اراده جمعی مردم است. سوسیالیستها تضمین می کنند که اگر به قدرت برسند، حاکمیت مردم بر سرنوشت خود را تضمین کنند. بر خلاف اهداف فدرالیستی مهدی و ناسیونالیستها که بوی خون و تفرقه دارد و کوچکترین تضمینی برای رفع "ستم ملی" و آزادی مردم از این ستم در آن نیست، حاکمیت سوسیالیستی و شورایی تضمین کننده رفع واقعی ستم ملی بر اساس منفعت مردم کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده در کردستان است. و این راهی است که کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه کردستان همراه و همگام با طبقه کارگر آگاه ایران، جوانان و جنبش آزادیخواهی زن باید و می توانند در مقابل طرح و برنامه رضا پهلوی و طیفهای رنگارنگ اپوزسیون راست و دخالت غرب پیش ببرند.

اکتبر می پرسد – موقعیت جنبش زنان در کردستان

ملکه عزتی: اگر بخواهم در یک جمله به این سوال جواب بدهم باید بگویم وجود یک حکومت سرکوبگر و دیکتاتور با تکیه بر قوانین عقبمانده مذهبی و فرهنگی مانع اصلی پیش پای جنبش آزادی زن است. در کردستان یک فاکتور جدی دیگر هم نقش ایفا کرده و آنهم جنبش ناسیونالیزم کرد است که فعالیت و اعلام وجود قائم به ذات جنبش زنان با خواسته های واقعی و مربوط به مسئله زن را زیر سایه برده است. زن کرد گویا از سایر زنان متفاوت است و کافی است حکومت کردی سر کار بیاید تا همه مشکلات و دردهای زنان حل شود. اگر هم فوراً و بلافاصله آزادی و برابری زنان و مردان میسر نشد، نباید سطح توقعات را بیش از حد بالا برد! بالاخره یک حکومت خودی گردی است و زنان هم باید بهای بقای این حکومت را با صرف نظر کردن از خواسته های فوری و بلافاصل خود بپردازند. در یک کلام فشار سنتهای ناسیونالیستی در کنار عقبمانده ترین باورهای مذهبی و فرهنگ بغایت شونیستی مردسالارانه از عوامل جدی در عدم اظهار وجود جدی و موثر جنبش زنان است.

ما کمونیستها مبنای آزادی زن را با کلید واژه حقوق برابر و جهانشمول زنان از جمله آزادی تمام و کمال در تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و ... تعریف کرده ایم.

هر درجه دور شدن از این مفهوم، خواست آزادی و مطالبات اساسی زنان معنای واقعی خود را از دست میدهد. وجود یک جنبش در اعماق جامعه بخودی خود دستاورد عجیبی بدنبال ندارد. تا زمانیکه این جنبش نتواند ریشه در سنتهای پیشرو و رادیکال مبتنی بر برابری کامل زن و مرد داشته باشد، وجود جنبش زنان بشکل آمال و آرزوهای دور دست اما زیبا باقی خواهد ماند، اما متأسفانه منشأ اثر یک تحریک عظیم اجتماعی نخواهد شد. در این مورد کمونیستها همان وظیفه ایی را بعهده دارند که در رابطه با سایر جنبش ها تعریف شده است. ایجاد آگاهی، تشکل و سازماندهی از وظایف عام ما کمونیستهاست. در عرصه مبارزه برای آزادی زن به میدان آوردن زنان علیه آپارتاید جنسی موجود، علیه نابرابری فاحش، علیه استثمار مضاعف، علیه حجاب این سمبل تحقیر و تبعیض، خارج از هر تعلق جغرافیایی و قومی و محلی از مهمترین این وظایف است. بدون یک تشکل قوی، بدون اتحاد و همسرنوشتی، زنانی که ۴ دهه است زیر سیاه ترین قوانین ضد زن به زندگی نه، به "زنده بود" ادامه داده اند قدم موثری نمیتوان برداشت.

ملکه عزتی

اکتبر می پرسد - موقعیت جنبش زنان در کردستان



اکتبر: در نتیجه این همه تلاشی که شما اشاره کردید، امروز جنبش زنان از تشکل و مامی برای دفاع از خود بهره مند هستند؟ کلا وضع سازمان و تشکل در مبارزات زنان کردستان چگونه است؟

ملکه عزتی: در سوال قبلی به این مسئله اشاره کردم. بخشی از جنبش زنان که ما از آن بعنوان جنبش آزادی زن اسم میبریم و میشناسیم فعالین آن در دهه هفتاد عامل برگزاری ۸ مارس های با شکوه در بیشتر شهرهای بزرگ در ایران بودند. این جنبش همراه و متحد جنبش دانشجویی، کارگری، کودکان کار و ایجاد فضایی عاری از تحقیر و آزار برای کودکان و زنان و آحاد جامعه، تاریخ روشن و قابل تحسینی دارد. فعالین این جنبش بخشا در شهرهای کردستان در مقاطعی کلاسهای آموزشی دایر کردند. قدمهای اولیه ای که به ارتقا آگاهی زنان کمک میکرد و آنان را در طرح خواسته های پایه ای خود ترغیب و تشویق میکرد. چندین تشکل زنان هم در این شهرها فعالیت داشتند. مناسفانه همانطور که میشد پیش بینی کرد جمهوری اسلامی این نوع فعالیت را بر نتابید و این تشکل ها از هم پاشیدند. در غیاب فعالین شناخته شده و عدم وجود يك سنت پایدار و با تداوم در این عرصه، دستگیری و اذیت و آزار چهره های شناخته شده ایجاد يك تشکل پایدار و صاحب نفوذ اگر نه غیرممکن که بشدت سخت و دشوار شده است.

اکتبر: از نظر شما موانع اصلی پیش پای جنبش زنان در کردستان کدامها هستند؟ وظیفه کمونیستها و آزادیخواهان جامعه در این رابطه چیست؟

پزشکانی با تجربه طولانی نیاز دارد. مشکلات مالی، خشونت خانگی و عدم بالانس روانی مسایلی نیستند که به سادگی در جهت حل و رفع آن اقدام کرد. در جامعه ایی که قوانین بر مبنای تامین سلامت فیزیکی و روانی شهروندان تنظیم شده بیشترین وظیفه و هزینه در این مورد را دولت بعهده دارد، اما در ایران دولت و حاکمیت از عوامل اصلی این فجایع هستند. توجه داشته باشید وجود يك جنبش حتی قوی به تنهایی برای مقابله با مشکلات و جلوگیری از فجایعی مانند خودکشی و خودسوزی و قتل زنان کافی نیست. هر جنبش قوی نیاز به تشکل و امکانات وسیع و فعالیت مستمر و متمرکز و حمایت گسترده دارد که بتواند مانع وقوع این فجایع شود. اما امروز فعالیت و ایجاد هر تشکل و سازمانی یک هفت خان رستم است که نهایتا اگر افراد وابسته به بخشی از سیستم سرکوب نباشند نمیتوانند از عهده عبور از موانع عدیده ایی که بر سر راهشان ایجاد میشود بریبایند. جنبش زنان از همان سال ۵۷ قدرت خود را در تظاهرات علیه حجاب و قوانین ضد زن حکومت نوپای اسلامی نشان داد و صدها هزار نفر از زنان و مردان آزادیخواه را در خیابانها علیه سرکوب زنان بسیج کرد. اما سرکوب سیستماتیک این قدرت عظیم را در این شکل به درجه زیادی محدود کرد و دست فعالین و سازماندهندگان آن را بست. نهایتا امروز علیرغم جنبشی بالقوه هنوز این جنبش به مثابه يك نیروی بالفعل و صاحب امکانات انسانی و سازمانی نتوانسته در عرصه های مختلف جامعه ظاهر شود و مانع از وقوع فاجعه خودکشی یا قتل ناموسی و یا سایر مشکلات زنان شود. اما حتی با وجود همه این موانع و مشکلات عدیده، جنبش زنان شاید از معدود جنبشهایی باشد که جمهوری جنانیکار اسلامی نتوانسته به تمامی آن را منکوب و از صحنه خارج کند. زنان علیرغم تمام محدودیت و سرکوبی که روزانه با آن مواجه اند هنوز خطر بزرگی برای حکومت و دستگاه سرکوب آن محسوب میشوند.

اکتبر: اگر در کردستان جنبشی در دفاع از حقوق زنان در جریان بوده است، چرا هنوز این همه فجایع رخ می دهد؟ روز و هفته ای نیست که اخبار جان گداز خود سوزی و خودکشی و به قتل رساندن زنان را بشنویم.

ملکه عزتی: این وضعیت و شرایط را با يك جواب ساده این است یا آن است، نمیتوان توضیح داد. شرایط جامعه ای که جنبش زنان یا جنبش های اجتماعی دیگر در آن فعالیت دارند، یک دیکتاتوری و سرکوب خارج از حد تصور است. دستگیری و اعترافات تحت شکنجه که نهایتا منجر به صدور احکام طولانی زندان و اعدام میشود را کم شاهد نبوده ایم. جنبش کارگری جنبشی قوی و صاحب سنت و جایگاه است، اما کماکان حقوق های معوقه در تمام مراکز کاری از معضلات حل نشده کارگران است. با هر اعتراضی کارگران معترض بازداشت و زندانی میشوند. جنبش دانشجویی هم سالها سنت مبارزاتی را پشت سر دارد، اما وجود این جنبش نتوانسته مانع اخراج و بازداشت دانشجویان شود. شرایطی که امروز جنبش های اجتماعی موجود در آن فعالیت میکنند اینگونه است که کوچکترین تشکل و تجمع با شدیدترین برخوردهای امنیتی و خشونت خارج از تصور جواب میگیرد. زهر چشم گرفتن از مردم و بخصوص فعالین سیاسی و اجتماعی یک هدف مهم این نوع برخوردهاست. فکرش را بکنید ۱۰۰ سال حکم زندان برای چند فعال حقوق زنان و آنهم بخاطر اقدام به پخش گل و خواندن سرود تنها یک نمونه از این قبیل برخوردهاست! یا تعقیب و آزار فعالین زن علیه حجاب. این شرایط سرکوب و خفقان بطور واقعی یکی از موانع اصلی حضور يك تشکل قدرتمند زنان در جامعه است. در ثانی مقابله و حل معضلاتی در این سطح فقی با حضور سازمان و تشکل غیر دولتی قابل حل نیست. پدیده ایی چون خودکشی عوامل و دلایل مختلفی دارد. پیچیدگی این پدیده و مقابله با آن به یک تیم قوی متشکل از روانشناس، مدد کار اجتماعی و

بازگشایی مدارس و کرونا



قرار گرفته است و صحبت های بی پایه روحانی و دیگر مقامات رژیم مایه ریشخند و از طرف کسی جدی گرفته نمی شود.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرده است، بعنوان اقدام پیشگیرانه در مقابل ویروس کرونا ۳/۵ میلیون دانش آموز می توانند با استفاده از اینترنت و بصورت آنلاین در کلاسهای درس شرکت کنند. در اینجا هم جمهوری اسلامی وقاحت را به حد کمال رسانده است. اگر از وضع و کیفیت خراب اینترنت بگذریم، باید از این جنایتکاران سوال کرد مردم فقیر و حتی متوسط از کجا می توانند امکان شرکت آنلاین بچه هایشان را فراهم کنند؟ در شرایطی که سرف سیر کردن آنها و تهیه مواد خوراکی اولیه در این گرانی و تورم با هزارمشقت بدبختی فراهم می شود، تهیه تلفن و کامپیوتر و امکانات فنی دیگر چگونه ممکن است. اصلا در بخش مهمی در حاشیه شهرهای بزرگ اینترنت قابل قبل بدرد بخوری وجود ندارد چه برسد به مناطق دور دست و بی امکان که این یابو گوییهای رژیم در اساس برایشان غیر قابل فهم است.

به این ترتیب جمهوری اسلامی بجای تخصیص بودجه کافی و مقررکردن اقدامات پیشگیرانه مدرن وامروزی که درخیلی از کشورها به آن عمل می شود، عملا مشغول کلاهبرداری و تحویل دادن دروغ به مردم است. گسترش دوباره و سه باره کرونا در بیشتر مناطق حاصل همین بی کفایتی رژیمی است

آنان در واقع اعتراض برحق آنان علیه فقر ونداری تحمیلی جمهوری اسلامی بر سرنوشت دهها میلیون دانش آموز و خانواده هایشان است. عکس العمل رژیم سرکوبگر اسلامی درمقابل این مبارزات برحق تهدید، سرکوب و زندانی کردن معلمین و پاپوش دوزی برای آنهاست. اما امروز دیگر در مقابل چشمان تمام جامعه ایران، جنبش معلمان در میدان مبارزه علیه تحمیل فقر و ننداری و برای برپایی محیط وامکانات آموزشی متناسب با جوامع پیشرفته، به امید بخش مهمی از جامعه ایران تبدیل شده است و سیاست سرکوب و زندان جمهوری اسلامی نتوانسته است این حرکت حیاتی و ارزشمند را عقب بنشاند.

اما امسال سال تحصیلی جدید با وجود ویروس کرونا و تهدید سلامتی دانش آموزان و معلمین، در کنار بی کفایتی و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در قبال سلامت و امنیت کل جامعه، به معضل و مشکلات دانش آموزان ومحیطهای آموزشی افزوده شده است. جمهوری اسلامی در قبال سلامت و امنیت جانی ۱۵ میلیون دانش آموز و ۱/۵ میلیون معلم که سال تحصیلی تازه را آغاز کرده اند، هیچ مسئولیتی را بعهده نگرفته و برنامه خاصی برای جلوگیری از گسترش پاندمی کرونا در محیط های آموزشی ندارد. اینجا هم حفاظت بهداشتی و اقدامات پیشگیرانه ملیونها انسان بدون جواب وبرنامه مانده است و یا امر رسیدگی به آن بر دوش خانواده ها و دانش آموزان و معلمین افتاده است.

در مناطقی که حتی نبود آب آشامیدنی موضوع اعتراض و مبارزه مردم است، معلوم است صحبت کردن از امکانات بهداشتی از قبیل آب گرم و صابون و یا مواد ضد عفونی در مدارس حرف بی ربط و تبلیغ عوامفریبانه بلندگوهای جمهوری اسلامی برای ساکت نگهداشتن مردم است. فاصله گذاری در کلاسهای تنگ ۳۰-۴۰ نفره به حق مورد تمسخر مردم

امسال بیش از ۱۴ میلیون دانش آموز ودانشجو سال تحصیلی جدید را شروع کرده اند. بدون وجود کرونا هم ودر سالهای طولانی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه باز گشایش مدارس یک دغدغه مهم مردم جامعه بخصوص کارگران و مردم زحمتکش بوده است. تهیه امکانات از نوشت افزار و شهریه و پول توجیبی و غیره در دل گرانی و تورم رو به افزایش، مشکل دائمی و لاینحل اکثر خانواده هاومردم است.

جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم ناسئول در قبال جامعه، در اینجا هم سعی کرده است که بار افلاس و اقتصاد ورشکسته خود را روی دوش دهها میلیون خانواده دانش آموز ببندازد. عدم تخصیص بودجه کافی به امر آموزش چنان آشکار و عیان است که همواره صدای جمعی از وابستگان جمهوری اسلامی را هم در آورده است. کمبود مدارس و معلم و کلاسهای پر جمعیت و نبود امکانات آموزشی، بهداشتی، گرمایی و غیره در سالهای اخیر یکی از مسایل مورد اعتراض خانواده ها و معلمین و تشکل های آنها بوده است. در مدارس زیادی بخصوص مناطق دور افتاده روستایی، در دل فقر وگرانی تحمیلی کنونی، حتی بار تامین گرمای مدارس در زمستان و بهداشت و نظافت در آنها بر دوش دانش آموزان و خانواده های آنها افتاده است.

مبارزه و اعتراض برای متحقق کردن آموزش مجانی و امکانات مناسب در مدارس ومحیط های آموزشی امر دایمی مبارزات خانواده ها و بخصوص معلمین مبارز و تشکل هایشان در سالهای گذشته و تا کنون بوده است. تاریخ چند دهه گذشته فداکاری و پا فشاری معلمین مبارز و تشکل های آنها را در دفاع از حق بدست آوردن امکانات مناسب و امروزی برای محیط های آموزشی فراموش نخواهد کرد. همبستگی انسانی معلمین در این سالها و اعتراض و جانفشانی های

ضرورت حاکمیت شورائی مردم در کردستان



جهت

سیاسی- اجتماعی شان که منافع طبقاتی شان را تامین کنند، هدایت و رهبری کنند. و برای "تامین و کسب هژمونی سیاسی- اجتماعی و خلاء رهبری"، از اکنون و برای هدایت سیاسی- اجتماعی این روند با ارائه آلترناتیو سیاسی و در فردای سرنگونی حکومت اسلامی" به تکاپو انداخته است. تحرک و ترفند اخیر رضا پهلوی "**بیمان نوین**" و همراهی عبدالله مهدی و جنبش ناسیونالیستی کرد، برای فشار آوردن از پائین و تغییر چند مهره اساسی در راس حکومت، در تقابل با مهار آگاهانه رایدکالیسم توده ای و کارگری اجتماعی در حال رشد و گسترش، و حفظ تمامی سیستم اقتصادی و نهادهای اداری، انتظامی و نظامی آن و حقه بردنش تحت عنوان "**سرنگون شدن**" و بخانه فرستادن توده معترض و دادن وعده و وعید است که، از خطرات جدیست. جنبش چپ، نسبت بدان نباید غافل باشد!

اشاره کردم که، پیام روشن این اعتراضات قاطعانه، سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران است. نفس پیام را، **سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین بقاء آن نیز گرفته اند.** به همین خاطر حفظ موجودیت و بقاء حکومت در اولویتش قرار گرفته است. در این راستاست که، حافظان رنگا و رنگ قدرت سیاسی موجود، در مخالفت با اعتراضات کارگری، توده ای- صفحه ۷

جامعه و 25 درصد حاشیه نشینی مردم

بدون داشتن ابتدائی ترین امکانات زیستی- معیشتی، بهداشتی و آموزشی. و ... تصویر بیست غیر قابل انکار که در دنیای واقعی، **عملا تحمیل گرسنگی** بر اکثریت مردم در ایران "ارمغانی، نداشته است. و ... سیستم اقتصادی و زیر بناهایش ویران و از کار افتاده و در حال فروپاشی است. ادامه چنین موقعیتی ممکن نیست و هیچ راه گریزی جز سرنگون کردنش در پیش پای جامعه، نمانده و قرار ندارد. رژیم اسلامی بنوعی خود نیز واقف است که، هیچگونه راه بازگشتی بجز سرنگون شدنش وجود ندارد. بدون شک، این روند و پروسه ی ملموس، سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران است که در دستور جامعه قرار گرفته است. این وضعیت غیر قابل انکار، پایه های اساسی این رژیم هار و فوق ارتجاعی و در حال فروپاشی را، به لرزه درآورده است. پیام عملی اش را، سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین رنگا و رنگ بقاء آن و آنهایی که دم از "خشونت گریزی" میزنند، همچنین **کل جنبش های راست و چپ** دخیل در این پروسه، بر اساس ریشه های عمیق سیاسی- اجتماعی نیز گرفته اند. برایشان ملموستر از گذشته گردیده است که اکثریت مردم ایران بدون اما و اگر، خواهان ایجاد تغییر و تحول اساسی در زندگی شان و خلاص شدن از این وضعیت تحمیل شده، هستند. بطور واقعی و عملی از این منظر است که، جنبشهای موجود تلاش میکنند با دخالت و ارائه آلترناتیو سیاسی- اجتماعی و طبقاتی، مهر خود را بر تحركات کارگری و توده ای اجتماعی علیه موجودیت حکومت اسلامی بکوبند و در

قطب کمونیستی و چپ حاکمیت شورائی مردم را باید تضمین کند!

جامعه ایران بدون شک آبستن تحولات سیاسی- اجتماعی و اقتصادی است. کاملاً ملتهب و در حال غلیان است. اما، شرایط سیاسی- اجتماعی و مبارزاتی پیچیده و غامضی برای مادیت بخشیدن به تغییرات مثبت و بنیادی، در پیش رو است. این موقعیت، وظیفه بسیار خطیری را پیش پای قطب کمونیستی و چپ قرار داده است. هر چند اعتصابات و اعتراضات کارگری- اجتماعی بطور متمرکز و سازمانیافته از هفت تپه، کل صنایع نفت و پتروشیمی ها، راه آهن ها، کنترل سازی، مرکز صنعتی اراک، شهرداریها، پرستاران و بازنشستگان و ... علیرغم پراکندگی و عدم سازمانیافتگی و رهبری واحد، سراسر ایران در جریان است. تداوم خیزش و اعتراض توده ای- اجتماعی آبانماه 98 و متعاقب آن که سراسر ایران و از جمله کردستان را، فرا گرفته بود، همچنان چون آتش زیر خاکستر در غلیان است. تمامی مؤلفه های ملموس نشان از دور تازه ای از تلاطم بنیادی عظیم اجتماعی میدهند که هر آن، میلیتانتتر و رادیکالتر به هر شیوه ممکن، چون آتشفشان فوران و ابراز وجود علنی - اجتماعی کنند. زیرا، حکومت اسلامی طی مدت حاکمیت ننگین و استثمارگرانه اش، "به رسمیت نشناختن هر گونه حق و حقوق انسانی- اجتماعی، سرکوبگری، بگیر و ببند، زندانی کردن، شکنجه و کشت و کشتار فعالین کارگری - اجتماعی و آزادیخواه، به تباهی کشانیدن آن جامعه، دامن زدن به خشونتهای اجتماعی، فرهنگ مرد سالاری ضد زن، اوباشی گری و تروریسم اسلامی، حاشیه نشینی، اعتیاد و فقر و فلاکت، تن فروشی، کودکان کار و خیابانی، و بر اساس اعتراف خود مقامات و نهادهای حکومتی **زیر خط فقر زندگی کردن 70 درصد**

ضرورت حاکمیت شورائی مردم در کردستان

اجتماعی جاری تحت عنوان "خشونت گریزی- در واقع علیه سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تغییرات اساسی مثبت در زندگی اکثریت مردم" تلاش میکنند با تحمیل بدترین شرایط ممکن، چند صباحی دیگر به حاکمیت ضد انسانی شان ادامه بدهند. و تاکنون نیز سرکوبگران از هر گونه خشونت و کشتار ممکن دریغ نکرده اند و حتی ممکن است برای **حفظ بقاء شان بدترین شرایط ممکن** را در صورت تند تر شدن اوضاع و رشد و گسترش رادیکالیسم سیاسی- اجتماعی و طبقاتی، در پروسه این روند، بر جامعه تحمیل کنند. در تقابل آلترناتیو راست لازم است جنبش چپ " **سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی را، تعریف و استراتژی آنرا مدون و روشن کند. چون بدون برنامه ریزی، هدفمند که ستون فقرات اساسی آن طبقه کارگر سازمانیافته و آگاه و متشکل در پیوند ناگسستنی با جنبش آزادیخواهان و برابری طلبی در بعد اجتماعی و بدون رهبری سیاسی قطب کمونیستی و چپ، ممکن نیست، به داده اجتماعی مبدل کند**" این محور اساسی قضیه لازم است، تامین شود. تا بتوان از حقه کرد سرنگونی مورد نظر جنبش راست، جلوگیری کرد!

تداوم جنبش در بعد سراسری در جامعه کردستان را باید تضمین کرد.

بمیدان آمدن و گسترش اعتراضات در شهرهای کردستان، همگام و همبسته با خیزش و اعتراض توده ای- اجتماعی جاری سراسری بر خلاف منادیان راست و محافظه کار تحت عنوان "خشونت گریزی و گذار مسالمت آمیز- جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد" از ضروریات مبرم و اساسی است. این بعد اساسی را باید در سیر این تحولات تامین و تضمین کرد. و در نتیجه وظیفه مردم و جوانان، فعالین جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب، محافل رهبران عملی کارگری - اجتماعی

در کردستان است که از هم اکنون آگاه و هوشیار بوده، با دورنما و چشم انداز روشن. برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سازماندهی با برنامه، هدفمند تلاش کنند. ارتجاع در هر شکل و رنگی و تحت هر عنوان و تلاشی برای گسستن اعتراضات را باید، افشاء و برای ایزوله کردنشان اقدام کنند. فضای آزادیخواهی تمامی محلات و جامعه را علیه آنها به هر شیوه ممکن، بسیج و گسترش بدهند. و ... باید سریعاً و بدون فوت وقت عمل کرد. زیرا، راه چاره اساسی برای خلاص شدن از این وضعیت تحمیل شده به اکثریت مردم زحمتکش در جامعه ایران، بجز همگامی و همبستگی سراسری برای سرنگونی بی اما و اگر، کلیت جمهوری اسلامی ممکن نیست. زیرا کردستان بخشی از اقتصاد سیاسی ایران میباشد و تاکید می کنم که، تمامی مصائب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که به یمن موجودیت حکومت اسلامی به اکثریت مردم ایران تحمیل شده است در کردستان ممکن است حتی در بعد وسیع تری نیز خودنمایی کند. بر اساس همین زمینه اجتماعی، گسترش اعتراضات در شهرهای کردستان و همگامی با خیزش کارگری و اجتماعی، در این پروسه ضروریست. از هم اکنون جریانانات ناسیونالیست کرد همگام شدن با "جنبش راست و هر جریان ارتجاعی دیگر. از جمله جمهوری اسلامی تحت عنوان نشست و مذاکره که در جریان است را برای سودا و معامله گری و دستیابی به اهداف سیاسی - طبقاتی خود در دستور دارند. یا بازی با کارت مسئله کرد، برای بدست گرفتن سکان **حاکمیت و اداره جامعه کردستان** و برای جلوگیری از رشد و گسترش رادیکالیسم جامعه در روند سرنگونی و بعد آن، برنامه ریزی کرده و خود را آماده کرده و میکنند.

وظایف قطب کمونیستی و چپ در جامعه کردستان

اشاره کردم که پروسه سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است. این واقعیت را حکومت اسلامی میدانند و دارد خود را آماده تقابل جدی می کند. تقابل و کشمکش جدی اجتماعی- طبقاتی هم اکنون در جریان است. جنبشهای راست و چپ تلاش میکنند مهر سیاسی- طبقاتی و اجتماعی خود را بر این روند بکوبند و جنبش جاری را در مسیر مورد نظر و برای متحقق نمودن آلترناتیو سیاسی- طبقاتی و اجتماعی خود رهنمون و رهبری و هدایت کنند. هرچند هنوز " توده وسیعی از مردم بطور خاموش دارند عمل می کنند ولی بدون شک خواهان سرنگون شدن این رژیم و خلاص شدن از این وضعیت فلاکتبار تحمیل شده، هستند. بر این اساس " جنبش کمونیستی و چپ " وظیفه ای بسیار خطیر دارد. لازم است آگاهانه و با برنامه ریزی دقیق عمل کند. قطعاً در تداوم خود آن اکثریت خاموش هم پا بمیدان خواهند، گذاشت. باید سازماندهی آیین اکثریت خاموش را در محلات زیستشان را در اولویت گذاشت. زیرا محلات، محل زیست و چهارچوب اساسی چون چتری است، همچون محل کار کارگران که متمرکز هستند و از طریق مجامع عمومی تصمیماتشان را میگیرند و ... این سقف که ساکنین آن، بطور حقیقی و حقوقی زندگی میکنند. درد و رنج زندگی شان یکی است. همدیگر را می شناسند به همدیگر اعتماد میکنند. و ... ممکن ترین راه و محل برای سازماندهی اعتراض توده ای-

اجتماعی و زمینه ساز کنترل محلات است. چون اعتراضات توده ای- اجتماعی از محلات سرچشمه میگیرد. و تلاش با برنامه از هم اکنون میرمیت پایه ای دارد. چنین تلاشی مبنا و در راستای زمینه سازی کنترل محلات و " **ایجاد و سازماندهی شوراهای مسلح مردمی و تضمین کننده حاکمیت** " صفحه ۸

ضرورت حاکمیت شورائی مردم در کردستان

حکومت اسلامی و تقابل با آلترناتیو جنبش بورژوا ناسیونالیسم کرد و بویژه خیزوشیفت جاری جناح راست رهبری کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، برای عدول از حاکمیت شورائی مردم و ملحق شدن به برنامه های ارائه شده شان برای تحمیل حاکمیت مسلحانه خود و تامین منافع طبقاتی . سیاسی- اجتماعی شان و زد و بند از بالا با جنبش راست و بورژوائی در بعد سراسری و بازی با سرنوشت مردم در کردستان بعد از حکومت اسلامی، سزماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان ضرورتی مبرم است. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل حول " پلاتفرمی مشخص باین برنامه حاکمیت شورائی مردم در کردستان " تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ، برای مادیت بخشیدن به حاکمیت مستقیم مردم بر اساس شوراهای مسلح مردمی، که تضمین کننده تداوم حاکمیت مردم و منافع کل جامعه است، اقدام کنند. زیرا مصافها و پیچیدگی سیاسی مبارزاتی جدی در تقابل با ارتجاع حاکم و قومی - مذهبی در پیش است. از امروز آگاهانه و با برنامه، باید وارد عمل شد. فردا دیر است. تا بتوان در فردا روز، ارتجاع استعمارگر و مدافع هر گونه نابرابری را، عقب رانده و پیروزی را تضمین نمود!

زنده باد حاکمیت شورائی مردم!

اسماعیل ویسی- 10 مهر 1399 - 1 اکتبر 2020 -

esmail.waisi@gmail.com

شورائی مردم ". حاکم شدن مستقیم بر سرنوشت خویش میباشد. از هم اکنون برنامه ریزی و دست بکار باید شد. بنکه های محلات در شهرهای سنج و ... تجاربی غنی تاریخی- اجتماعی، در این رابطه میباشد. ارتجاع قومی- مذهبی نیز بر سازماندهی و کنترل محلات متمرکز است.

به خطیرو پیچیده بودن و مصافهای جدی پیش رو که در جامعه ایران وجود دارد، اشاره کرده ام که برای تمامی فعالین کمونیستی کارگری و چپ ملموس هست. در کردستان محافل رهبران عملی کارگری و آزادیخواه وجود دارد و تا کنون نقش سیاسی- اجتماعی خود را به هر شیوه ممکن، در مقاطع متفاوت ایفاء کرده اند. اما شرایط پیچیده و مصافهای جدی که پیشرو میباشند، برای تقابل، آمادگی از پیش لازم است. جدا از بهم بافته شدن، محافل رهبران عملی کارگری و اجتماعی چون شبکه ای سراسری برای سازماندهی اکثریت ساکنین محلات و بر اساس آن، فراهم کردن زمینه سازماندهی و تشکیل شوراهای کارگری و مردمی را برای کنترل محل های کاری و زیست، فراهم کند. تا بتوان با آمادگی کامل در بزنگاه سیاسی- اجتماعی تعیین کننده تحت هدایت قطب کمونیستی و چپ، بموقع و بدون فوت وقت اعمال اراده مستقیم مردم را از طریق مکانیزم شوراهای حاکمیت مردم. برای اداره جامعه، مادیت بخشید و اجازه نداد دستاوردهای مردم زحمتکش به یغما برود. نباید اجازه داد ارتجاع بشیوه دیگر اینبار در قبای قومی- و بویژه در کردستان در قامت کردایتی خود را تحمیل کند. تحولات جامعه باید تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ. پیش برود. بدون شک، سرنوشتی حکومت اسلامی یک امر مهم و اولویت مبارزاتی است. در این راستا نباید از هیچگونه تلاش سازمانیافته و هدفمند، دریغ نمود. نفرت بی حد و مرز از رژیم اسلامی وجود دارد. اما، این نفرت نباید صرفاً به سرنوشتی حکومت اسلامی ترجمان شود. گام اساسی بعدی و سیستم حکومتی جایگزین را نباید فراموش کرد. از هم اکنون باید با برنامه، هدفمند، سازمانیافته و با دورنمای روشن حرکت کرد. جامعه را مطلع و برای انتخاب واقعی که منافعتشان تامین شود، آماده و سازماندهی کرد.

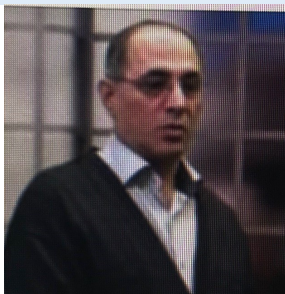
در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی برای سرنوشتی انقلابی

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

شورای محلات ایجاد باید گردد!



تحركات قومپرستان در حمايت از جنگ آذربايجان با ارمنستان

آذربايجان و ارمنستان شاهد تحركات قومى و فاشيستى اينبار به فراخوان مستقيم گله هاى امامان جمعه و نمايندگان ولى فقيه در استانهاى آذربايجان شرقى، غربى، اردبيل و تهران با شعارهاى نفرت انگيز فاشيستى، قومپرستى و ارتجاعى با شركت گله هاى بسيجى و سانديسخورهاى حكومتى در قالب مردم منتسب به ترك، آذرى زبان هستيم.

ما كارگران همراه جنبش آزادى زن، جنبش معلمين، جنبش دانشجويى، جنبش خلاصى فرهنگى و جنبش سرنگونى طلبانه انقلابى توده هاى مردم آزاديخواه و برابرى طلب كه براى سرنگونى رژيم اسلامى و تحقق آزادى برابرى و عدالت اجتماعى لحظه شمارى ميكنيم، بايد اعلام كنيم، جنگ بين آذربايجان و ارمنستان ارتجاعى و بر ضد منافع كارگران و مردم تهى دست اين دو كشور است.

همچنين بايد اعلام كنيم تحركات گروهها و جريانات فاشيست، ناسيوناليسست و قومپرست در هماهنگى با سياستهاى ارتجاعى رژيم اسلامى براى ايجاد تفرقه، دودستگى و ايجاد فضاي تبعيض و نفرت قومى، نژادى و مذهبي است كه در تضاد با منافع طبقه كارگر و اكثريت مردم تشنه آزادى برابرى و عدالت اجتماعى است و اين تحركات ارتجاعى را محكوم ميكنيم.

۱۱ مهر ۱۳۹۹

روز شنبه پنجم مهر بار ديگر بعد از سى سال جنگ ارتجاعى بين آذربايجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنوقره باغ شعله ور شده و تاكنون دهها نفر از هر دو طرف از جمله مردم عادى كه در ميان آنها كودكان هم بچشم ميخورد كشته شده اند.

شعله ور كردن آتش جنگ نه بر اساس خواست و منافع مردم آذربايجان، ارمنستان و ناگورنوقره باغ، بلكه بر اساس خواست و منافع دولتهاى دسته راستى حاكم بر اين دو كشور و همراهى گروههاى ناسيوناليسست و فاشيست از هردو طرف با دريافت چراغ سبز از طرف دولتهاى ارتجاعى تركيه، روسيه و ايران شروع شده است.

دولت اردوغان از طرفى با روپايى بازگشت به خلافت دوران عثمانى و از طرف ديگر با دشمنى تاريخى با ارمنيا آتش بيار معرقه اين جنگ ارتجاعى است و با كسيل آوارگان سوريه به جنگ با ارمنستان عملا به يك طرف جبهه اين جنگ ارتجاعى تبديل شده است.

روسيه هم با توجه به نفوذ تاريخى و اقتصادى بر ارمنستان و آذربايجان نميخواهد اين منطقه تحت كنترل تركيه و قلمرو ناتو قرار بگيرد. بر اين مبنا منافع سياسى و اقتصادى هم موجب دخيل شدن پوتين در اين جنگ ارتجاعى ويرانگر شده است.

جمهورى اسلامى هم كه با بحران سياسى، اقتصادى و عدم مشروعيت حكومتى از جانب طبقه كارگر و توده ۸۰ ميليونى جامعه ايران مواجه است و همچنين زير ضرب اعتراضات كارگرى و تودههاى قرار دارد و سران ريز و درشت رژيم اسلامى هم بعضا اعتراف ميكنند كه صداى سرنگونى طلبانه مردم را شنيدهاند، به اين جنگ به عنوان يك بركت الهى مينگرند كه ممكن است با به ميدان آوردن احساسات قومى و ناسيوناليستى آذرى و ايجاد تفرقه و دو دستگى در ميان مردم چند صبايحى به عمر ننگين حاكميتشان بيفزايد، در نتيجه با گسيل گله هاى امامان جمعه و نمايندگان ولى فقيه بر روى منبر مساجد و صدور بيانیه دستجمعى مشغول پمپاژ تبليغات فاشيستى و نژادپرستى هستند كه تاكنون توانستند در چند شهر از جمله تهران، تبريز، اروميه، زنجان و مشكين شهر تحركات فاشيستى و قومپرستى در ميان آذرى زبانها را سازماندهى كنند.

جمهورى اسلامى بر سه ركن اصلى، فاشيسم اسلامى، فاشيسم قومى و ناسيوناليسم پايمرزي شده است.

اسلام سياسى هويت اصلى حاكميت است كه بيش از چهل سال مشغول كشتار و جنايت عليه بشريت در جامعه است. پايه ديگر رژيم اسلامى فاشيسم قومى و ناسيوناليسم ايرانى است كه بعنوان ابزار ايجاد تفرقه و دو دستگى و در عين حال تبعيض در ميان مردم منتسب به تكلم و كويشهاى زباني متفاوت هستند مى باشد. در چهار دهه گذشته جامعه ايران همواره شاهد تحركات گروهها و جريانات فاشيستى، قومى و ناسيوناليستى با تاثير از سياستهاى پايههاى رژيم اسلامى بوده است.

تاسيس جريانات قومپرست در خوزستان، آذربايجا، كردستان و نفرت پراكنى ناسيوناليستى عليه كارگران مهاجر افغانستاني و غيره در سراسر ايران، بخش كوچكى از تحقق اهداف رژيم اسلامى در ايجاد تفرقه، دو دستگى و ايجاد تبعيض در ميان شهروندان است. اكنون بار ديگر در جريان شعله ور شدن جنگ ارتجاعى بين

مليت بر خلاف جنسيت مخلوق طبيعت نيست، مخلوق

جامعه و تاريخ انسان است. مليت از اين نظر به مذهب

شبيه است. اما بر خلاف تعلق مذهبي، تعلق ملي حتى در

سطح فرمال هم انتخابى نيست. بعنوان فرد نمیتوان به

مليت خاصى گرويد و يا از آن بريد!

منصور حكمت

ملت ناسيوناليسم و برنامه كمونيسم كارگرى

کرونا و بی مسئولیتی دولت جمهوری اسلامی



انسانی را به درد می آورد. برخی از این پرسنل تنها چند ساعت در روز و آن هم در محل کار خود استراحت می کردند و بقیه ساعات را صرف درمان و کمک به این بیماران می کردند. حالا رژیم منفور اسلامی به بهانه مشکل اقتصادی به سفره این پرستاران چشم طمع دوخته و نان آنها را کوچکتر می کند. این وضعیت توصیف جغرافیایی است که ثروتش برای آسایش، امنیت و رفاه مردم آن جامعه کفایت می کند.

چه باید کرد؟

جمهوری اسلامی موظف به تامین معیشت و سلامتی تک تک افراد جامعه است. ایت خواست، باید به یک خواست عمومی و به یک داده در جامعه تبدیل شود. باید مردم زحمتکش و طبقه کارگر آن جامعه در کنار معلمان و پرستاران و دانشجویان و زنان به رژیم اسلامی فشار بیاورند و این خواسته را تحقق ببخشند. این کار شدنی است. به هفت تپه نگاه کنید. اعتراض مداوم و پیگیر کارگران هفت تپه سرانجام به تحقق خواسته اساسی آنها، یهنی خلع ید اردبیلی از کارخانه شد. اگر متحدانه و در کنار هم مبارزات را به پیش ببریدیهی و سریع خواهد بود. وقتی صحبت از خودباوری و اعتماد به قدرت سازمان یافته خود داشته باشیم، چنین خواسته ها و عملی کردن آن دور از دسترس نیست.

نه بیماران و نه خانواده های آنها نباید زیر بار پرداخت

مدارس به دلیل کرونا خوداری کرده است و این تصمیم را به خانواده ها واگذار کرده است. هر نوع اعتراض به چنین وضعیتی را هم با برچسب امنیتی به جامعه بدون خریدار می فروشد. آیا مقصری به جز خود رژیم اسلامی وجود دارد؟ قطعاً نه.

در کنار این وضعیت اسفناک اقتصادی و بیکاری و فقر و گسترش این بیماری، خبرهایی از کاهش ۲۰ درصدی حقوق پرستاران در بیمارستانها هم منتشر شده است. این دیگر نوبت است. کادر پزشکی که در مقابله با این بیماری در صف

انند هزینه های میلیونی این بیماری را بپردازند. بیماری که عامل اصلی آن خود رژیم اول بودند و گاهی تصاویر و ویدیوهایی از آنها در فضای مجازی منتشر می شد که دل هر انسانی را به درد می آورد. برخی از این پرسنل تنها چند ساعت در روز و آن هم در محل کار خود استراحت می کردند و بقیه ساعات را صرف درمان و کمک به این بیماران می کردند. حالا رژیم منفور اسلامی به بهانه مشکل اقتصادی به سفره این پرستاران چشم طمع دوخته و نان آنها را کوچکتر می کند. این وضعیت توصیف جغرافیایی است که ثروتش برای آسایش، امنیت و رفاه مردم آن جامعه کفایت می کند.

چه باید کرد؟

جمهوری اسلامی موظف به تامین معیشت و سلامتی تک تک افراد جامعه است. ایت خواست، باید به یک خواست عمومی و به یک داده در جامعه تبدیل شود. باید مردم زحمتکش و طبقه کارگر آن جامعه در کنار معلمان و پرستاران و دانشجویان و زنان به رژیم اسلامی فشار بیاورند و این خواسته را تحقق ببخشند. این کار شدنی است. به هفت تپه نگاه کنید. اعتراض مداوم و پیگیر کارگران هفت تپه سرانجام به تحقق خواسته اساسی آنها، یهنی خلع ید اردبیلی از کارخانه شد. اگر متحدانه و در کنار هم مبارزات را به پیش ببریم تحقق این خواسته امری اول بودند و گاهی تصاویر و ویدیوهایی از آنها در فضای مجازی منتشر می شد که دل هر

خبر بازگشت سلامتی و شکست کرونا، بهترین اتفاق برای تمام بیماران و خانواده هایی است که با این بیماری مواجه شدند، اما نه برای بیماران مهاباد و ارومیه. طبق اعلام این خبر، این بیماران و همچنین تایید برخی رسانه ها، شماری از بیماران کرونایی که توانایی پرداخت هزینه های معالجه و بستری شدن را ندارند، اجازه ترخیص ندارند. مقصر کیست؟

جمهوری اسلامی مهمترین ابزار شیوع کرونا در ایران است. اقتصاد به گل نشسته و سود سرمایه باعث شد که خود رژیم در دوران اوج کرونا مردم را وادار کند که دوباره بر سر کار بروند. فقر و تنگدستی و گسترش روز افزون آن و در کنار این عوامل، موج میلیونی بیکاری و عدم توانایی رژیم در تامین معیشت مردم، باعث شد که کرونا دوباره و چند باره اوج بگیرد. رژیم اسلامی و دولت مجری آن موظف هستند که معیشت و سلامت را در جامعه تامین کنند. این خواست حداقلی برای جامعه ایران در کل است. مردمی که هر روز گروه گروه به خیل بیکاران اضافه می شوند، در فقر و نداری به سر می برند و توانایی تامین نان سفره را ندارند چگونه می توانستند. در روزهایی که این بیماری به سرعت در سطح دنیا در حال گسترش بود، رژیم اسلامی نه تنها پروازهای خود به چین را کنسل نکرد، بلکه چند پرواز را به استانهایی از چین که مرکز شیوع این بیماری بود، اضافه کرد. در روزهایی که هنوز آماری از سوی رژیم درباره گسترش این بیماری و ورود آن به ایران منتشر نمی شد، رژیم اسلامی در تقلای گرم کردن بازار مضحکه انتخابات خود بود و پس از آن هم تلاش برای برگزاری ۲۲ بهمن باعث این پنهانکاری مرگبار شد. از روز اول ورود کرونا تا حالا که بیش از ۱۰ ماه از آن می گذرد، از هر فرصتی برای برگزاری تجمعات مذهبی و خرافی استفاده کرده و مردم را به حضور در آنها تشویق کرده است. هنوز که هنوز است از اعلام رسمی تعطیلی

کرونا و بی مسئولیتی دولت جمهوری اسلامی

چنین هزینه هایی برونند. این بیماری را اگر با پارامترهای خود رژیم بسنجیم - هزینه بالای درمان و سختی درمان - می تواند در زمره بیماران خاص قرار بگیرد و طبق خود قانون رژیم اسلامی، باید دولت هزینه های سنگین چنین بیماریهایی را پرداخت کند. گسترش این بیماری معلول سیاست های خود رژیم اسلامی است و خود این رژیم نه تنها باید مسئولیت آن را بپذیرد، بلکه باید در برابر درمان و تامین سلامت و حتی معیشت بیمارانی که سلامت خود را به دست می آورند، مسئولیت را بپذیرد.

نهایتا کادر درمانی که در این دوره ده ماهه نشان دادند نه خدا، نه دعا و نه ملا نمی توانند کاری انجام بدهند، نباید در مقابل این تعرض رژیم اسلامی به سفره های خود سکوت کنند. امروز بیش از هر زمانی جامعه خود را همدرد و نزدیک به پرستاران و پرسنل بیمارسانها می داند و هر خواسته ای که از جانب آنها مطرح شود، در جامعه با پالس مثبت روبرو می شود. رژیم اسلامی نه تنها محق نیست که اقدام به کاهش دستمزد و دزدی از سفره آنها بکند، بلکه باید تمهیداتی برای افزایش و بهبود معیشت آنها انجام بدهند.

و نهایتا خود مردم در این دوره ده ماه و با تجربه ی چهل سال زندگی زیر سایه رژیم اسلام، پی برده اند که جمهوری اسلامی غده سرطانی بر تن این جامعه است. این غده را باید کند و دور انداخت. جمهوری اسلامی رفتنی است. در این شکی نیست. اما مساله مهم جامعه بعد از جمهوری اسلامی است. جایی که باید تصمیم بگیریم که چه می خواهیم. زمانی است که تجربه چهار دهه خفقان، سرکوب، بی حقوقی و فقر و فلاکت را پشت سر بگذاریم. ما لایق یک زندگی بهتر هستیم. تامین معیشت و سلامت از مولفه های یک جامعه سالم است. اگر به دنبال یک جامعه سالم هستیم، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی گام اول، ایجاد حکومتی سوسیالیستی برای آزادی، برابری رفاه، امنیت، آسایش و سلامت جامعه گام دوم خواهد بود. انتخاب به دست خودمان است.

سیوان کریمی
۲۰۲۰ اکتبر

حق جهانشمول بهداشت و درمان رایگان همگانی

پاندمی کرونا نشان داد که نه خدا، نه شاه، نه سرمایه دارها برای نجات بشریت از این بیماری مهلک کارهای نبوده اند، بلکه کادر درمانی و کارگران تولید مواد غذایی، بهداشتی و ترانسپورت در خط مقدم دفاع از سلامت بشر در این دوران سخت هستند.

پلنوم کمیته مرکزی تصویب میکند که:

الف- خواست درمان و بهداشت عمومی رایگان و استاندارد برای همه خواستی فوری و قابل اجرا در همین نظام بورژوازی است.

ب- دسترسی همگانی و رایگان به تمام دستاوردهای علم پزشکی در درمان و تولید واکسن از جمله واکسن مقابله با بیماری کوید -۱۹.

تامین ماهیانه معیشت

قبل از بحران کرونا، بیکاری در جهان انبوه و گسترده بود و امواج جدید بیکاری در کشورهای مختلف زندگی صدها میلیون نفر از کارگران و خانواده هایشان را تهدید میکرد. با پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری "هوش مصنوعی" و "کامپیوترهای الگوریتم" و آنچه به اتوماسیون معروف است، تعداد بیشتری از کارگران کارشان را از دست میدهند. طرح پرداخت تامین ماهیانه معیشت به تمام آحاد جامعه توسط دولتها، در شرایطی که کار مناسب و درخور توجهی وجود ندارد، گامی فراتر از بیمه بیکاری محسوب میشود. چرا که بیمه بیکاری همواره شامل بخشهایی از مردم کارکن و محرومان نمیشود.

نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست

کمون پاریس (مارس ۲۰۲۱)

۵- بیانیه مصوب دفتر سیاسی در مورد "نه به فقر، فلاکت و بیکاری، حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" به تأیید پلنوم رسید.

در دستور انتخابات، برای دبیر کمیته مرکزی، جمال کمانگر به اتفاق آراء انتخاب شد. رفیق فاتح شیخ خود را برای عضویت در دفتر سیاسی کاندید نکرد. دبیر کمیته مرکزی از طرف پلنوم از رفیق فاتح شیخ قدردانی کرد. در انتخابات دفتر سیاسی، پلنوم سیزده عضو کمیته مرکزی را برای عضویت در ارگان دفتر سیاسی انتخاب کرد: آذر ماجدی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، رضا کمانگر، سعید یگانه، سیاوش دانشور، سیوان کریمی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، کریم نوری، ملکه عزتی، ناصر مرادی و همایون گدازگر.

پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست پس از سه روز کار فشرده با سخنان اختتامیه جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی درباره موفقیت نشست کمیته مرکزی و ضرورت حضور فعال حزب در تحولات پیش رو با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

پس از پایان پلنوم جلسه دفتر سیاسی برگزار شد. دفتر سیاسی منتخب در نشست خود، سیاوش دانشور را به اتفاق آراء به عنوان رئیس دفتر سیاسی و شش عضو دیگر خود را برای هیئت اجرایی انتخاب کرد. به این ترتیب هیئت اجرایی حزب عبارتند از: آذر ماجدی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، سیاوش دانشور، صالح سرداری، عبدالله دارابی و ناصر مرادی. در همین نشست ناصر مرادی به عنوان دبیر هیئت اجرایی حزب انتخاب شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۷ مهرماه ۱۳۹۹ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ نالحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان نشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"



پلنوم ۴۱ حزب حکمتیست در روزهای ۵، ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۹۹ برابر با ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰ با شرکت اکثریت کمیته مرکزی و رفیق حسین مرادیگی (حمه سور) بصورت اینترنتی برگزار شد. جلسه با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم افتتاح گردید.

پلنوم با سخنان جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی شروع شد. بدنبال تعیین هیئت رئیسه پلنوم و تصویب آئین نامه و موازین اینترنتی جلسه، پلنوم موارد زیر را از میان مباحث پیشنهاد شده در دستور گذاشت:

۱- گزارش رئیس دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و ارزیابی از فعالیت حزب.

۲- بحث پاندمی کرونا، بحران اقتصادی و بیکارسازی وسیع، چه باید کرد؟ همراه چند قرار. معرف: جمال کمانگر.

۳- بحث اوضاع سیاسی ایران، آخرین تحولات، احتمالات پیش رو، سیاست حزب، معرف: آذر ماجدی.

۴- سند مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران، خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو، معرف: سیاوش دانشور-رحمان حسین زاده.

۵- بحث پلانفرم و طرح جامع فعالیت ما در کردستان، معرف: رحمان حسین زاده.

۶- بحث بازسازی سوسیالیستی جامعه، همراه با چند قرار. معرف: فاتح شیخ.

۷- قرارها و قطعنامه ها.

۸- انتخابات.

گزارشهای رئیس دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و کمیته های اصلی حزب و ستاد تبلیغ همراه با رئوس مباحثی که در دستور پلنوم قرار گرفتند به صورت کتبی از قبل در اختیار شرکت کنندگان گذاشته شده بود. مباحث پلنوم که بخشاً برای هم‌منظری وسیع تر حزب بودند و بخشاً اسنادی برای تصویب بودند، توسط معرف ها ارائه شدند و رفقای کمیته مرکزی در فضائی فعال و ریلکس پیرامون جوانب گوناگون آنها دخالت و اظهار نظر کردند.

سند "مسائل مبرم مبارزات کارگری ایران، خطوط تاکتیکی حزب در دوره پیش رو" با اکثریت آراء و یک رای ممتنع به تصویب رسید.

در بند قرارها و قطعنامه ها، قرارهای زیر به تصویب پلنوم رسیدند که عنوان آنها عبارتند از:

۱- حق جهانشمول بهداشت و درمان رایگان همگانی.

۲- تامین ماهیانه معیشت.

۳- درباره چاپ و انتشار آثار منصور حکمت.

۴- درباره شرکت در گرامیداشت جهانی ۱۵۰مین سالگرد

زنده باد آزادی، برابری و رفاه

درباره چاپ و انتشار آثار منصور حکمت

نظر به اهمیت اشاعه دیدگاه کمونیسم کارگری منصور حکمت بر متن تحولات مهم پیش روی جامعه ایران، پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست از دفتر سیاسی حزب میخواهد اقدامات زیر را در دستور اجرا قرار دهد:

الف - چاپ باقیمانده مجموعه آثار منصور حکمت (جلدهای ۲، ۳، ۴، ۵ و ۹) و تجدید چاپ مجموعه انگلیسی.

ب - انتشار وسیع کتاب "مبانی کمونیسم کارگری / پنج اثر".

پ - بکار انداختن امکانات متنوع برای تسهیل دسترسی فعالان کارگری و کمونیستی جامعه به آثار منصور حکمت.

درباره شرکت در گرامیداشت جهانی ۱۵۰امین سالگرد کمون پاریس (مارس

۲۰۲۱)

پلنوم ۴۱ کمیته مرکزی حزب حکمتیست از رهبری حزب انتظار دارد شرکت فعال در گرامیداشت جهانی ۱۵۰امین سالگرد کمون پاریس را در دستور خود بگذارد. در این زمینه:

الف- به دفاع از دستاوردهای کمون در مبارزه طبقاتی پرولتاریای جهانی، تجربه شورائی کمون را برجسته کند.

ب- در پیوند با مبارزه طبقاتی پرولتاریا، به تلاش نظری در کاربست امروزی نقد مارکس و انگلس به کمبودهای تجربه کمون در عرصه ضرورت در هم شکستن ماشین دولت بورژوائی و دست بردن به اقدام اقتصادی بکوشد.

بازگشایی مدارس و کرونا

که پروار کردن باندها و نهادهای سرکوبگر برای او اولویت اصلی در هزینه کردن بودجه و ثروت و امکانات جامعه است. آشکار است که گسترش دور دوم و حتی سوم این اپدمی در درجه اول تهدیدی برای ملیونها دانش آموز و مردم فقیری است که به لحاظ مالی توانایی هیچ گونه مقابله ای را با آن ندارند. قطعاً خیل کودکان و جوانان محروم از آموزش و مدرسه بسیار فراتر از آمار نیم میلیونی رژیم اسلامی است.

صف طویل و رو به ازدیاد کودکان کار و خیابانی و زباله گرد برای رژیمی که روی دریایی از ثروت و امکانات لم داده است مایه تنفر برحق جامعه علیه این رژیم تحمیل فقر و رواج دزدی و اختلاس است.

درمقابل تحمیل این شرایط اسفبار بر محیط های آموزشی و سرنوشت آینده جامعه و نسل جوان، مقابله و اعتراض علیه جمهوری اسلامی، سال های متمادی است که به انتخاب توده وسیع مردم تبدیل شده است. علیرغم اینکه مبارزه همگانی و عمومی برای سرنگونی رژیم اسلامی قدم اصلی برای نجات جامعه است، با اینحال مبارزه درحال جریان کنونی معلمین و خانواده ها و کل انسانهاییکه آینده جامعه و نسلهای بعدی برایشان مهم است، می تواند در تحمیل بسیاری از خواست ها به رژیم اسلامی تعیین کننده باشد. تحمیل آموزش رایگان و امکانات آموزشی همردیف با استانداردهای جهانی با گسترش این مبارزات ممکن است. نباید بگذاریم آیندگان و نو جوانان و جوانانمان قربانی این رژیم مرتجع و واپسگرا و اولویت های سرکوبگرانه اش بشوند.

همایون گدازگر

بر خورداری از محیط کار و زیست ایمن و سالم حق پایه ای شهروندان

است!

بر خورداری از محیط کار و زیست ایمن و سالم حق پایه ای شهروندان است

یک پیروزی برای کارگران هفت تپه

خلع ید اسدیگی

اعلامیه حزب حکمتیست

یک پیروزی برای کارگران هفت تپه

خلع ید اسدیگی

کارگران هفت تپه بعد از یکدوره مبارزه و اعتصاب سه ماهه اخیر، نهایتاً موفق شدند که کارفرمای هفت تپه را از شرکت بیرون بیاورند. اسدیگی ها علیرغم حمایت گسترده نهادهای دولتی و حکومتی، در مقابل مبارزات متحدانه کارگران هفت تپه شکست خوردند. این کارگران هفت تپه بودند که فساد و اختلاس اسدیگی ها را افشا کردند، این کارگران هفت تپه بودند که بیوقفه علیه عملکرد کارفرمایان استثمارگر تلاش کردند، این کارگران هفت تپه بودند که علیه بیکارسازی وسیع و سقوط مجتمع هفت تپه ایستادند، و بالاخره این کارگران هفت تپه بودند که توانستند کارفرمایان را پائین بکشند. کارگر متحد همیشه دستاورد دارد. اتحاد کارگران هفت تپه در این مبارزه مشخص نیز به نقطه پیروزی رسید. همانها که روزی قباله و قرارداد هفت تپه را به دست اسدیگی ها دادند، امروز ناچارند زیر فشار اعتراض کارگران آنرا پس بگیرند.

جلسه امروز چهارشنبه نهم مهرماه در کمیسیون اصل نود مجلس که با حضور تعدادی از نمایندگان کارگران هفت تپه برگزار شد، رای بر خلع ید از کارفرمای هفت تپه و فسخ قرارداد شرکت هفت تپه با بخش خصوصی و جایگزینی مدیریت جدید حداکثر تا یکماه و نیم دیگر داد. کارگران سه ماه حقوق معوق دارند و کارخانه برای بقا باید بسرعت کار کشت را آغاز کند. جلسه امروز استاندار خوزستان را متعهد به تامین نیازهای کشت و پرداخت سریع حقوق و اضافه کاری معوق مربوط به ماههای تیر و مرداد، حداکثر تا ۱۵ مهر، کرد.

همینطور نیکزاد نائب رئیس مجلس اسلامی، اعلام کرد دفترچه های بیمه تامین اجتماعی کارگران تا آخر سال جاری تمدید شده است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این پیروزی را به کارگران هفت تپه تبریک میگوید. تامین بخش مهمی از مطالبات کارگران و بویژه پائین کشیدن کارفرمایان فاسد و استثمارگر که تنها هنرشان گرسنگی دادن به فرزندان کارگران است، شورانگیز است. حال باید برای قدمهای بعدی مبارزه و خواستهای محقق نشده مانند بازگشت همکاران اخراجی از جمله اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، سالار بیژنی، ایمان اخضری، برای تامین نظارت کارگران بر پروسه این تحول و دخالت روزمره در امور با اتکا به سازمان شورائی و مجمع عمومی کارگران متکی شد. کارگر هفت تپه یک مشعل فروزان مبارزه پرشور و آتشین طبقه کارگر ایران است. درود بر اتحاد و رزم کارگران هفت تپه!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۹ مهر ۱۳۹۹

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه به اعدام، مرگ بر جمهوری اسلامی



زنده باد کارد آزادی
به کارد آزادی پیوندید

آدرس تماس با رهبری کارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231

Partow TV

تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که دو هفته یک بار منتشر می شود!

همایون گدازگر

سردبیر نشریه :

Email:homayon_1954@yahoo.de

زنده باد تشکیل شوراها !